

نظریه هویت اجتماعی و بازنمایی کنش هویتی داعش

* علی اشرف نظری

E-mail: aashraf@ut.ac.ir

** شهره پیرانی

E-mail: shohreh.pirani@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۹

چکیده

داعش گروهی سلفی - تکفیری با معرفی خود به عنوان درون گروه و مخالفانش به عنوان برون گروه به تعریف هویت اجتماعی برای خود و اعضایش دست می زند. پایه های این هویت مبتنی بر ادعای حفظ ارزش های اسلامی و عزت نفس مسلمانان و ارائه ثبات و قطعیت است. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش هاست: گروه داعش در تعریف هویت اجتماعی خود چه شاخص هایی را در نظر می گیرد؟ برون گروه داعش شامل چه گروه هایی است؟ عوامل اصلی جذابیت هویت اجتماعی تعریف شده توسط داعش برای اعضای این گروه کدام است؟

فرضیه مقاله آن است که داعش با ارائه یک هویت جمعی مبتنی بر آموزه های تکفیری و با شعار بازگرداندن افتخار و عزت نفس مسلمانان و نیز تعریف هویت های برون گروهی، توانسته طیف وسیعی از مسلمانان و نوکیشان را به خود جذب کند. داعش به طور مستمر در پی ایجاد فضای دوقطبی و تأکید بر هویت درون گروه و برون گروه است و با استفاده از این فضا، هویت خویش را هویت خالص و برتر و هویت مقابلش را اهریمنی و پست معرفی می کند و به این وسیله به توجیه اقدامات خشونت آمیز خود می پردازد.

کلید واژه ها: هویت اجتماعی، داعش، درون گروه، برون گروه.

* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران

** دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران، نویسنده مسئول



مقدمه

افراط‌گرایی اسلامی در دهه‌های اخیر دچار تحولات عمیقی شده است، این تحول هم شامل، خود جنبش، رهبران، تاکتیک‌ها بوده، هم شامل اهداف و هم شامل عرصه‌ی عمل و جغرافیای اقدامات آن‌ها. تحولات بروز یافته در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۶ م. و ظهور گروه‌های تروریستی در کشورهای نظیر عراق و سوریه موجی از نگرانی و هراس در میان مردم دنیا ایجاد کرده است. پیکارجویان تکفیری دولت اسلامی عراق و شام (داعش) که پس از ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ م. به «خلافت اسلامی» تغییر نام داد، گروهی از مسلمانان تکفیری هستند که علاوه بر عراق و سوریه، از کشورهای مختلف عربی، آسیایی، اروپایی و آفریقایی گرد هم آمده‌اند.

دولت خود خوانده‌ی عراق و شام از جمله گروه‌هایی است که به تعریف هویت اجتماعی مشخص و مجزایی برای خود به نسبت سایر مسلمانان و حتی سایر گروه‌های غیرمسلمان پرداخته است. داعش بر مبنای این هویت اجتماعی مشخص به جذب عضو از سرتاسر دنیا اقدام کرده و براساس همین هویت اجتماعی به توجیه اقدامات خشونت‌بار خود می‌پردازد.

هویت اجتماعی و گروهی، مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسانی است که بر یگانگی یا همانندی اعضای آن دلالت می‌کند و آن را در یک ظرف زمانی و مکانی معین، به‌طور مشخص، قابل قبول و آگاهانه، از سایر گروه‌ها متمایز می‌سازد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵). هویت اجتماعی، احساس تعلق و همبستگی به یک جامعه و گروه است به‌گونه‌ای که عضو یک گروه از سایر گروه‌ها متمایز باشد و فرد در مقابل معیارها و ارزش‌های گروه خودی احساس تعهد و تکلیف کند.

سرعت تحولات پس از شکل‌گیری داعش به‌قدری بالا بوده که هنوز تحلیل‌گران نتوانسته‌اند تحلیل دقیقی از علل پیدایش و گسترش پدیده‌ی داعش داشته باشند در نتیجه، راه‌های مقابله با آن نیز آن‌گونه که باید، نتوانسته است، کارساز باشد. به‌یقین برای دریافت راه‌های مقابله‌ی مؤثر با این گروه، شناخت ریشه‌ها و دلایل شکل‌گیری این گروه، راهگشا خواهد بود. در این پژوهش در پی شناخت و تحلیل گروه داعش بر مبنای هویت اجتماعی این گروه هستیم.

پرسش‌های پژوهش

در تحلیل هویت اجتماعی داعش باید به چند سؤال اساسی پاسخ داد. این‌که هویت اجتماعی چیست؟ گروه داعش در تعریف هویت اجتماعی خود چه شاخص‌هایی را در نظر می‌گیرد؟ برون‌گروه داعش شامل چه گروه‌هایی است؟ عوامل اصلی جذابیت هویت اجتماعی تعریف‌شده توسط داعش برای کسانی که به این گروه جذب شده‌اند کدام است؟

فرضیه‌ی پژوهش

فرضیه مقاله آن است که داعش با ارائه یک هویت جمعی مبتنی بر آموزه‌های تکفیری و با شعار بازگرداندن افتخار و عزت‌نفس مسلمانان و نیز تعریف برون‌گروه‌های متعدد دست به جذب طیف وسیعی از مسلمانان و یا نوکیشان در سرتاسر جهان زده است. داعش به‌طور مستمر در پی ایجاد فضای دوقطبی و تأکید بر هویت درون‌گروه و برون‌گروه است و با استفاده از این فضای قطبی‌سازی و دوگانگی، هویت خویش را هویت خالص و برتر و هویت مقابلش را اهریمنی و پست معرفی می‌کند و به این وسیله به توجیه اقدامات خشونت‌آمیز خود می‌پردازد.

روش تحقیق

مقاله به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با هدف بررسی موشکافانه و تحلیل و ارزیابی علمی، منصفانه و واقع‌بینانه موضوع برای رسیدن به توانایی پیش‌بینی و در حقیقت پیشگیری از اثرات نامطلوب این پدیده تهیه شده است.

چارچوب نظری

یکی از مهم‌ترین نظریات در روان‌شناسی اجتماعی که در تحلیل خشونت گروه‌های اجتماعی، استفاده می‌شود، نظریه‌ی هویت اجتماعی است. این نظریه بر مبنای جانب‌داری و تعارض بینا گروهی شکل گرفته است، که براساس آن افراد در برابر قدرت، منزلت و اندازه گروهشان حساس هستند و تمایل دارند از ارزش‌ها و نشانه‌ها و نهادهای اجتماعی که مربوط به گروهشان است حمایت کنند، زیرا هویت اجتماعی برای آن‌ها مهم است. در برخی از پژوهش‌ها متأثر از این دیدگاه ادعا شده است که اعضای گروه اقلیت یا آن‌هایی که نسبتاً در جامعه جایگاه پائین تری دارند، پیش‌زمینه‌ای



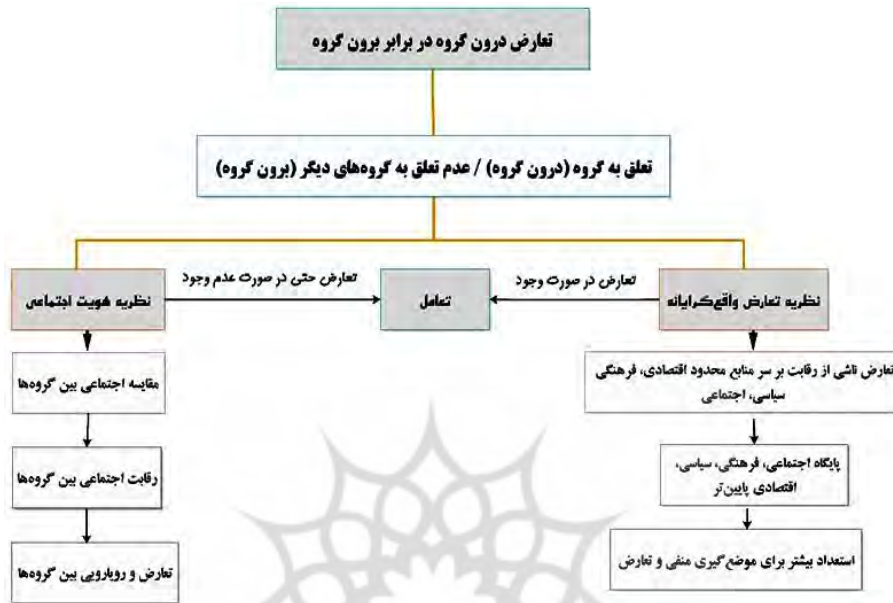
برای تجربه تهدید و خشونت ندارند، بلکه بیشتر آن دسته از گروه‌های اجتماعی در معرض این تصورات هستند که دارای تعارض در منافع و رقابت جدی با یکدیگر هستند (فرانتز و دیگران، ۲۰۰۴: ۱۶۱۱) در گروه‌های اجتماعی، احساس تعلق به گروه و دیدگاه مثبت داشتن به گروه در مقایسه با سایر گروه‌های اجتماعی بسیار حیاتی است. زمانی که این امر امکان‌پذیر نباشد، افراد به دنبال برخی از گروه‌های غیرخودی می‌گردند، تا آن‌ها را مقصر جلوه دهند و سرزنش کنند.

نظریه هویت اجتماعی به طور مشخص توسط تاجفل و همکارانش برای اولین بار طرح شد؛ اما ریشه‌های این نظریه به نظریه «تعارض واقع‌گرایانه» مظفر شریف باز می‌گردد که براساس آن تعارض میان گروه‌ها (در صورت تعامل) معمولاً، بر سر منابع کمیاب و نحوه توزیع آن‌ها اتفاق می‌افتد. بنابر تعریف شریف اعضای گروه بنابر اهداف مشترکی که برای خود تعریف می‌کنند، در مقابل اعضای برون‌گروه قرار می‌گیرند. وی بر این باور بود که در شرایط دشوار، افراد جذب گروه‌هایی می‌شوند که دستورالعملی ایدئولوژیک برای جهانی بهتر و دشمنی که برای تحقق آن ایدئولوژی بایستی نابود شود، دارند (ن. ک به: کاتم و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۳۵ و دوران، ۱۳۸۱: ۸۵).

نظریه‌ی هویت اجتماعی بر این باور است که اگر رقابت گروه‌ها صرفاً بر سر منابع مادی باشد، تعارض با توزیع عادلانه منابع قابل‌حل و فصل است؛ ولی هنگامی رقابت بر سر افتخار، احترام و ارزشمندی و بهتر دیده شدن باشد، پیروزی و برد یعنی همه‌چیز و حل تعارض دشوار می‌شود. بر همین مبنا این گروه‌ها تولیدات سایر گروه‌ها را بی‌ارزش دانسته و در تخصیص منابع نسبت به آن‌ها تبعیض قائل می‌شود (ن. ک به: اسمیت و مکی، ۱۳۹۲: ۵۸۸-۵۸۶).

برخلاف نظریه‌پردازان تعارض واقع‌گرا که معتقد بودند که تعارض با تعامل بین گروهی ایجاد می‌شود، مشاهدات تاجفل و همکاران او نشان داد که تخصص و ستیز در ارتباط با برون‌گروه در نبود هرگونه تعامل و تفاوت عقلایی یا قابل قبول میان گروه‌ها، و حتی وقتی که افراد درون‌گروه از رقابت با برون‌گروه چیزی به دست نمی‌آورند، شکل می‌گیرد (هاوتن، ۱۳۹۳: ۱۸۵). تاجفل در مطالعات خود پی برد که در هویت‌یابی افراد عواملی چون احترام به خود یا عزت نفس و داشتن احساس مثبت نسبت به گروه خودی مؤثر است و باعث می‌شود از درون‌گروه طرفداری کنیم و اعضای گروه‌های دیگر را تحقیر کنیم یا در مورد آن‌ها تبعیض قائل شویم و در نتیجه با آن‌ها دچار تعارض و ستیز شویم (گرینبرگ، ۲۰۰۹: ۳۲۲ و هاوتن، ۱۳۹۳: ۱۸۶).

نمودار شماره ۱: تعارض بیناگروهی



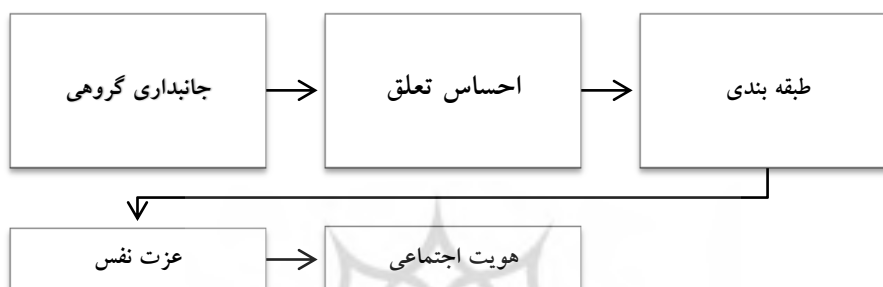
هویت در این نظریه براساس احساس تعلق و عدم تعلق به درون‌گروه و برون‌گروه، تعریف می‌شود و این تعلق با اهمیت دادن احساس و ارزش به عضویت گروهی خود همراه است. تعصبی که در این راه به خرج داده می‌شود، باعث جست‌وجوی هویت اجتماعی مثبت و حفظ این هویت می‌شود. تشکیل هویت‌های اجتماعی بر پایه‌ی مقایسه‌هایی شکل می‌گیرد که فرد میان گروه خودی و گروه‌های دیگر، انجام می‌دهد و لذا برای این‌که هویت اجتماعی مثبت باشد، نتایج این مقایسه‌ها باید به نفع گروه تعلق فرد باشد (شریفی و کاکاوند، ۱۳۸۹: ۳۲ و سایت علمی دانشجویان، ۱۳۸۹) از نظر تاجفل و ترنر عواملی نیز موجب برجستگی هویت می‌شود که عبارت‌اند از: نیاز به عزت‌نفس، انگیزه‌ی عزت‌نفس جمعی، انگیزه خودآگاهی، انگیزه خودسازگاری، انگیزه مؤثر بودن خود، انگیزه کاهش ابهام و انگیزه خودتنظیمی (فرنگیس المال، ۱۳۹۰: ۱۲۵).

در چارچوب نظریات بیناگروهی، ما در جهانی تقسیم‌شده بر پایه‌ی مؤلفه‌ها و عوامل متمایزکننده دیگر زندگی می‌کنیم. این گروه‌بندی‌های اجتماعی هویت و زندگی ما را شکل می‌دهند و با ترسیم مؤلفه‌های هویت و حدود مرزها، هم‌چنین با ایجاد معنا و هویت در زندگی عزت‌نفس ما را به وجود می‌آورند (استفان، ۲۰۰۹: ۴۳) بر طبق این



نظریه بخشی از عزت نفس افراد در گروه‌ها بستگی به همانندسازی آن‌ها با گروه‌های اجتماعی دارد. چون مردمی که با گروه خودشان همانندسازی کرده‌اند بیشترین احتمال را دارد که نسبت به گروه خودشان جانب‌داری نشان دهند و سوگیری متناظری نسبت به گروه‌های بیگانه داشته باشند (بارون، بیرن، برنسکامب، ۱۳۹۴: ۳۵۱).

نمودار شماره ۲: مراحل ایجاد هویت اجتماعی درون‌گروه



تاجفل هویت اجتماعی را با عضویت گروهی پیوند می‌زند و آن را متشکل از سه عنصر احساسی، شناختی و ارزشی می‌داند. از این منظر هویت اجتماعی عبارت است از برداشت فرد از خود، به نسبت شناخت و آگاهی از عضویت در یک گروه به همراه بعد ارزشی و احساسی مرتبط با آن عضویت (گل‌محمدی، ۱۳۸۶: ۲۲۳) از این منظر می‌توان هویت اجتماعی را نوعی خودشناسی فرد در رابطه با دیگران دانست. این فرایند مشخص می‌کند که فرد از لحاظ روانشناسی و اجتماعی کیست و چه جایگاهی دارد (تاجیک، ۱۳۸۴: ۵۲).

به نظر تاجفل، اجتماع از افرادی تشکیل شده است که باهم براساس پایگاه و قدرتشان رابطه دارند و ساختار این ارتباط برای شکل‌بندی هویت دارای اهمیت است (برجوند، ۱۳۸۹: ۲). وی فرایندی را که افراد خودشان، درون‌گروه را از برون‌گروه جدا می‌کنند، طبقه‌بندی اجتماعی می‌نامد و باور دارد هویت اجتماعی در یکی از همین فرایندهای درونی کردن مقوله‌بندی‌های اجتماعی پدید می‌آید (ایمان، کیدقان، ۱۳۸۲: ۸۲). تاجفل و همکارانش استنباط می‌کنند، طبقه‌بندی اجتماعی سبب طرفداری گروهی و ارزیابی مثبت از درون‌گروه می‌شود و در نتیجه نوعی سوگیری، مثلاً در تقسیم منابع نسبت به گروه خود خواهد داشت. این نظریه بر این واقعیت تأکید می‌کند که طبقه‌بندی فرایندی پویا و وابسته به متن است که در روابطی مقایسه‌ای با متنی معین تعیین

می‌شود. در طبقه‌بندی همیشه تفاوت بین گروهی بیشتر از تفاوت درون‌گروهی است (جوادی یگانه و عزیزی، ۱۳۸۷: ۱۹۶). طبقه‌بندی رقابت اجتماعی میان گروهی را ایجاد می‌کند. با تداوم نگاه مثبت افراد به گروه خودی در مقایسه با گروه غیرخودی، سوگیری‌های ادراکی و الگوهای رفتاری تبعیض‌آمیز و در نتیجه تعارض، پدید می‌آید (کاتم و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۳۳ و ۲۳۲).

همراه با طبقه‌بندی، حس برتری گروه خودی وجود دارد. بر این اساس، قربانی کردن یا سرزنش یک گروه غیرخودی به عنوان منشأ مشکلاتی که برای گروه خودی رخ می‌دهد، در راستای کلیشه‌سازی و ناشی از ارزیابی‌های اجتماعی است. بعضی از تحلیلگران بر این باورند که می‌توان با استفاده از مفاهیم روانکاوی - نظیر مفهوم فرافکنی - این موضوع را توضیح داد به‌عنوان نمونه، نسبت دادن ناخوشی‌ها یا صفات غیرقابل قبول و سرکوب‌شده فرد به گروه‌های غیرخودی است. در این شرایط، خشم سرکوب‌شده بر سر فرد قربانی خالی می‌شود و گروه قربانی هم تحقیر می‌شود، و هم در معرض واکنش‌های شدید خشم، ترس و تنفر قرار می‌گیرد (کاتم و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۳۶). در نظریه تمایز حداکثری تأکید می‌شود که هویت اجتماعی سازشی میان دو نیاز متناقض است: نیاز به همانندسازی و نیاز به تمایزبخشی؛ یکی از راه‌های تحقق چنین تمایزی تلقی اعضای درون‌گروه به‌صورت منحصربه‌فرد و متمایز است و نیز مشابه قلمداد کردن تمام برون‌گروه‌ها و اعضای آن‌ها. در این فرایند، گروه‌ها به‌عنوان مجموعه‌ای منسجم و همگن تلقی می‌شوند و این مسأله، بر این که چگونه افراد درباره آن گروه‌ها فکر می‌کنند، تأثیر می‌گذارد (همیلتون، ۲۰۰۹: ۱۸۰). علاوه بر این، روانشناسان به این نتیجه رسیده‌اند که افراد، رفتارهای منفی گروه غیرخودی را بسیار بهتر از رفتارهای منفی آن‌ها به یاد می‌آورند.

در نظریه هویت اجتماعی، گروه‌ها به‌صورت طبیعی درگیر مقایسه اجتماعی می‌شوند و وقتی که نتیجه این مقایسه منفی باشد و احساس ناعدالتی در برخورداری از امتیازها باشد، برای تغییر موقعیتشان انگیزه پیدا می‌کنند. یک راهبرد برای تغییر وضعیت گروه، رقابت اجتماعی است که هنگامی به وقوع می‌پیوندد که یک گروه درگیر رقابت مستقیم با گروهی غالب می‌شود. گروهی که در موقعیت غالب قرار دارد، به دلیل وضعیتش از جانب گروه زیردست، احساس خطر می‌کند. وقتی این وضعیت پیش می‌آید، رقابت به تعارض و رویارویی منجر می‌شود (کاتم و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۵۹). تعصب و تصورات قالبی هنگامی بیشتر تقویت می‌شود که اعضای درون‌گروه آن را



پشتیبانی کرده یا اعضای برون گروه با آن مخالفت کنند (هاسلام، ۱۹۹۶: ۳۶۹). تعصب ممکن است رفتار (تبعیض) نگرش (پیش داوری) و شناخت (کلیشه سازی) را شامل شود. تعصب درون گروهی ممکن است شکل های متنوعی نظیر پیش داوری و کلیشه سازی، تبعیض نژادی، بی عدالتی، تثبیت نابرابری و سرکوب، پاک سازی قومی و نسل کشی داشته باشد (هیوستون و دیگران، ۲۰۰۲: ۵۷۶).

نظریه ی هویت اجتماعی به نگاه ساده انگارانه اش به بحث هویت و تمایز گروه ها مورد انتقاد واقع شده است. از جمله منتقدین این نظریه لئون هادی است. به نظر هادی اولاً تمام گروه ها با یکدیگر منازعه ندارند و نظریه تاجفل نمی تواند این مسأله را توضیح دهد و از سوی دیگر، «میزان هویت یابی افراد با یک گروه، با یکدیگر تفاوت دارد». به علاوه، با این که در گذشته هویت ها حالت کاملاً ثابتی داشتند، امروزه اما، فرد می تواند هویت های خود را انتخاب کند (هاوتن، ۱۳۹۳: ۱۸۷).

نظریه هویت اجتماعی و تحلیل کنش داعش

داعش در طول تاریخ ظهور، قدرت یابی و امتداد خود دچار دگردیسی و تغییرات فراوانی شده است. هویت این گروه به واسطه ی جنبش بودن آن سیال و متغیر است و نمی توان هویتی ثابت برای این گروه تعریف کرد. داعش و هرگونه جنبش این چنینی را بایست در درون متن تاریخی آن جنبش و به مثابه فرایندی در حال تحول بررسی کرد. هویت جمعی گروه های افراطی نظیر داعش از سویی بر پایه محیط ناامنی که اعضای این گروه ها پیش از پیوستن به گروه آن را تجربه کرده اند شکل گرفته و از سوی دیگر با استفاده از دین برای پیوند اعضا به هم (امینان و زمانی، ۱۳۹۵: ۹ و ۸). مبانی ایدئولوژیک افراط گرایی گروه داعش که مقوم هویت جمعی این گروه است نیز یکی احکام شرعی افراطی سلفی است و شعار این گروه بازگشت به اسلام ناب و اصیل است که بر پایه ی اعتقاد این گروه جامعه ی اسلامی به دلیل اقدامات برون گروه ها (که شامل طیف وسیعی از گروه ها شامل، شیعیان، صلیبی ها، یهودیان، ایزدی ها، گردها و حتی سنی هایی می شوند که با اندیشه سلفی - تکفیری داعش همراه نبوده و متهم به کفر و شرک اند) از آن دور شده است.

مطالعات نشان داده که داعش به نحوی آگاهانه و با توجه به شکل گیری هویت در دوره نوجوانی و جوانی، روی گروه های جوان و نوجوان و جذب و آموزش آن ها سرمایه گذاری کرده است (ن.ک به: مصطفی ۱۳۹۴: ۱۷۰-۱۶۸ و الهاشمی، ۱۳۹۵: ۸۷) بیشتر

تروریست‌ها جوان و نوجوان هستند. اسناد به‌دست آمده از داعش نیز میانگین سنی اعضای داعش را ۲۴ سال عنوان می‌کند (ایرنا، ۱۳۹۵). هم‌چنین این اسناد نشان داده که کسانی که از کشورهای غربی به این گروه پیوسته‌اند از میانگین سنی پایین‌تری نسبت به کسانی برخوردارند که از کشورهای غیر غربی به این گروه پیوسته‌اند (این‌دپندنت، ۲۰۱۶). نوجوانی و ابتدای دوره جوانی به لحاظ روان‌شناختی مقطعی دشوار است چراکه طی آن شخص با حسی از شکنندگی و آسیب‌پذیری، از خودش به‌عنوان فردی مستقل آگاه می‌شود و احساس جدایی می‌تواند منجر به اضطراب و حس انزوا شود. در نتیجه فرد نیاز مبرمی به هویت، وابستگی و تعلق دارد. تعلق و وابستگی به یک گروه به کاهش احساسات آنان نسبت به جدایی کمک کرده و هویتشان را مستحکم می‌کند. اما همین موضوع، چرایی آسیب‌پذیری نوجوانان نسبت به افراطی‌گرایی مذهبی را هم توضیح می‌دهد. حس وابستگی و تعلق به مذهب و گروهی تروریستی با ادعاهای آرمانی، تأمین باور و ساختاری شبیه خانواده، جمعی هم‌فکر را فراهم می‌کند. هم‌چنین وابستگی به گروه برای افرادی که ممکن است در حالت عادی شأن پایین‌تری داشته باشند یا اصلاً شأنی نداشته باشند، موقعیت و منزلت فراهم می‌کند (دانشمندی، ۱۳۹۵: ۱۰۶ و ۱۱۷).

آتران در مصاحبه‌ای با جوان مسلمان‌ای که در حومه‌ی پاریس زندگی می‌کند و به داعش تمایل دارد، علت این امر را بحران هویت در این جوانان می‌داند؛ «او مانند بسیاری دیگر از دوستان و آشنایانش، نه احساس می‌کند فرانسوی است و نه عرب، و چون همیشه به او به‌صورت مشکوکی نگاه شده، او «خلافت» را انتخاب می‌کند که در پی ایجاد سرزمین مادری است؛ سرزمینی که در آن مسلمانان بتوانند منابعشان را متحد سازند، دوباره قوی شوند و با کرامت زندگی کنند» (آتران، ۱۳۹۵: ۲۱). در حقیقت این حس سردرگمی در جوانان اروپایی و نیاز به تعلق آن‌ها را به‌سوی افراطی‌گرایی می‌کشاند. آتران این جست‌وجوی هویت توسط جوانان را از نتایج منفی جهانی‌شدن دانسته و البته تلاش جوان‌های مسلمان در جست‌وجوی هویت اجتماعی تازه را ناکام می‌داند. به نظر آتران این جوانان برای یافتن هویتی مستحکم در جهان نامتنوع، یکدست و صاف‌شده، افراطی می‌شوند (آتران، ۱۳۹۵: ۲۱). قوانین سخت و بدون ابهام سلفیسم به این جوانان اروپایی و جوامع مدرن غربی اطمینانی محکم می‌دهد. آن هم در جوامع کثرت‌گرا و به‌سرعت در حال تغییر که اغلب به نظر می‌رسد که استانداردها و ارزش‌های آن فردی شده‌اند (ون هالست، ۲۰۰۶: ۳۱).

جرجس معتقد است، جوانان مسلمان کشورهای غربی دچار یک نوع هویت دوگانه



می‌شوند که گاهی منجر به بی‌هویتی می‌شود. در طول زندگی با یکسری مشکلات رودررو می‌شوند و مقاومت‌هایی را در مقابل خودشان می‌بینند. آن‌ها به این دلیل به داعش و دیگر گروه‌های افراطی می‌پیوندند که می‌خواهند بخشی از یک جامعه منسجم یا یک هویت مستحکم باشند (جرجس، ۲۰۱۴: ۳۴۲). در دیدگاهی مشابه کروگلانسکی، بر این باور است که افرادی که دارای هویت خاکستری و میانه (نامشخص) هستند، به دنبال یک هویت منسجم و قوی، معمولاً به گروه‌های افراطی می‌پیوندند. چراکه گروه‌های افراطی تصویری منسجم، سیاه‌وسفید و درست و غلط از ایدئولوژی خود در مقابل دیگران نشان می‌دهند و افراد با پیوستن به آن‌ها، تبدیل شدن به جزئی از یک کل منسجم و بزرگ‌تر می‌شوند. این افراد معمولاً در پی یافتن پاسخ‌های روشن، قاطع، بی‌ابهام و محکم برای سؤالات خود هستند که این پاسخ‌ها را معمولاً از طریق ایدئولوژی‌های افراطی به‌خوبی دریافت می‌کنند (گونر، ۲۰۱۴).

مسأله عزت‌نفس و هویت جویی

همان‌گونه که در توضیح نظریه‌ی هویت اجتماعی دیدیم، یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری هویت اجتماعی برای افراد در نظریه‌ی تاجفل، به دست آوردن عزت‌نفس و «احترام به خود» است. اسکات آتران در مورد تروریست‌های جوان خارجی که به داعش می‌پیوندند، بر این باور است که هدف این جوانان، یافتن خانواده و دوستان جدید و نیز ارزشمندی و اهمیت یافتن است آتران بر این باور است که برخلاف امریکا، در اروپا وضعیت مهاجران حتی پس از سه نسل حضور در کشورهای اروپایی باثبات نبوده و در زمینه‌ی شغل و آموزش در مضیقه بوده و دچار تبعیض هستند. وی علت پیوستن جوانان اروپایی به داعش را آموزه‌های دینی اسلام نمی‌داند بلکه ترمیم عزت‌نفس شکسته‌ی این افراد می‌داند. آتران بر این باور است که این جوانان به این دلیل به این گروه‌ها می‌پیوندند که این گروه‌های فرصت‌برابری در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد (ر.ک به: کریسچ، ۲۰۱۵). اسچیفرنیز با تأیید این مسأله، معتقد است گروه‌های تروریستی علاوه بر احساس تعلق و هویت به اعضای خود، نوعی احساس توانمندی و ارزشمندی نیز می‌دهند و به این ترتیب نوعی فرصت برای جبران اشتباهات گذشته‌ی افراد و ترمیم عزت‌نفس فراهم می‌شود (ر.ک به: اسچیفرنیز، ۲۰۰۷).

این ترمیم عزت‌نفس و برداشتن سایه‌ی تحقیر و توهین از سر مسلمانان حتی در کلام و بیان رهبران داعش نیز کارکرد دارد. عدنانی سخنگوی داعش با دست گذاشتن

بر روی این مطالبه مسلمانان، هنگام اعلام تأسیس خلافت اسلامی، خطاب به مسلمان جهان، این گونه گفت:

«زمان آن فرارسیده است که نسل‌هایی که غرق اقیانوس ننگ و بدنامی بودند، تحقیر در اعماق وجودشان نفوذ کرده بود و تحت فرمان فاسدترین آدم‌ها بودند... به پا خیزند. وقت آن رسیده که جامه‌ی ننگ را از تن درآورند و غبار تحقیر و فضاحت را بتکانند، دوره‌ی زاری و سوگواری به پایان رسید و سپیده‌دم شرف و غرور دوباره پدیدار شده است. خورشید برآمده است» (دابق، ش ۱: ۹).

طبقه‌بندی هویتی از نظر داعش

یکی دیگر از شاخصه‌های نظریه‌ی هویت اجتماعی تاجفل، بحث طبقه‌بندی بر مبنای درون‌گروه و برون‌گروه است. طبقه‌بندی، سبب پردازش اطلاعات ورودی می‌شود و ضمن امکان استفاده از تجارب قبلی، تصمیم‌گیری را میسر می‌سازد. طبقه‌بندی، پیامدهای گوناگونی همانند، انسجام گروهی، رشد تعصبات روابط با برون‌گروه و جانب‌داری درون‌گروهی را در پی دارد (نظری، ۱۳۹۲: ۵۰).

به عقیده‌ی داعش جهان شدیداً بین دو گروه از انسان‌ها تقسیم شده: نخست مسلمانان راستین و حقیقی که عبارت‌اند از سنی‌های طرفدار داعش. دوم سایر فرق و مذاهب و ادیان. از دید داعش، جهان در جاهلیت غرق است و این جاهلیت توسط مردم خارج از گروه کوچک داعش و اعضایش ایجاد شده است (اینگرام، ۲۰۱۶: ۵). داعش، پیوستن به گروه به معنای کمک به ایجاد «خلافت اسلامی» و رهایی از کفر است (ویلیامز، ۱۳۹۵: ۱۰۶) در حقیقت برون‌گروه داعش کفر است که مصادیق آن البته بسیار بیشتر از سایر گروه‌های سلفی است. کفر در تعریف داعش از سویی جمعیت بیشتری از مسلمانان اعم از شیعه، کُردها، ایزدی‌ها و حتی برخی سنی‌ها را در برمی‌گیرد و از دیگر سو کشورهای غربی و یا به عبارت داعش صلیبیون را.

اینگرام در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مجله دابق دولت اسلامی» (۲۰۱۶) بر مبنای تقسیم‌بندی هویتی درون‌گروه و برون‌گروه داعش، بر این باور است که داعش بحران‌های موجود در دنیا را به برون‌گروه و راه‌حل برای بحران‌ها را به درون‌گروه نسبت می‌دهد. داعش راه‌حل را تعهد درون‌گروهی، تقویت سنت‌ها و ایمان معرفی می‌کند. اینگرام معتقد است که این راه‌حل‌ها به مانند یک نیروی «جذب‌کننده» در طول فرایند افراط‌گرایی عمل کرده و سبب جذب افراد به این گروه می‌شوند (اینگرام، ۲۰۱۶: ۱۱).



همان‌طور که دیدیم، وفاداری به گروه خودی، سبب تنزل ارزش گروه‌های دیگر و افزایش پیش‌داوری افراد و در نتیجه تعارض نسبت به برون‌گروه‌ها نیز می‌شود (صالحی، ۱۳۸۶: ۲۲). داعش نیز دست به این طبقه‌بندی درون‌گروه و برون‌گروه زده و خود را به‌عنوان قهرمان و حافظ هویت درون‌گروه (مسلمانان سنی طرفدارش) و دشمنانش را به‌عنوان «دیگران بدخواه» (برون‌گروه) معرفی می‌کند و آن‌ها را در قبال آنچه بحران می‌نامد مسؤول می‌داند (اینگرام، ۲۰۱۶: ۶). داعش خود را به‌عنوان درون‌گروهی معرفی می‌کند که در قبال برون‌گروه‌هایی که در پی محو هویت دینی سنی هستند، دست به اقدام می‌زند و در حقیقت در پی بازگرداندن عزت پیشین سنی‌ها و در معنای عام اسلام است. پیام‌های گفتاری و نوشتاری منتشرشده توسط داعش، به‌شدت در پی ایجاد فضای دوقطبی و تأکید بر هویت درون‌گروه و برون‌گروه و تقسیم جهان به دو جبهه‌ی دارالاسلام (خودش) و دارالکفر (دشمنانش) است. این گروه با استفاده از این قطبی‌سازی و دوگانگی، هویت خویش را هویت خالص و برتر و هویت مقابله‌ی اهریمنی و پست معرفی می‌کند و به این وسیله به توجیه اقدامات خشونت‌آمیز خود می‌پردازد. داعش برون‌گروه خود را کافر، رافضی، صفوی و مرتد معرفی می‌کند. اینگرام بر این باور است که اعتقاد به برتری درون‌گروه تبدیل به زمینه‌ای مهم برای خشونت علیه برون‌گروه می‌شود (اینگرام، ۲۰۱۶: ۹). اسمیت در استدلالی همراستا بیان می‌کند: «زمانی که سعی می‌کنیم تا پیش‌بینی کنیم آیا یک گروه دست به اقدامات تروریستی می‌زند یا خیر، بررسی این موضوع مهم است که آن گروه چگونه خود را توصیف می‌کند و چگونه مخالفانش را توصیف می‌کند» (اسمیت، ۲۰۰۴: ۴۳۱).

گوپتا نیز با تأکید بر تأثیر مذهب در شکل‌گیری و انسجام گروه معتقد است مذهب و شناسایی گروه بر پایه‌ی آن، سبب می‌شود اعضا حس نوع‌دوستی نسبت به گروه خود داشته باشند و به ارائه‌ی توجیه برای خشونت افراطی علیه غیرمؤمنان به دین و آیین خودشان پردازند. به همین دلیل به یکی از قوی‌ترین منابع هویت جمعی تبدیل شده است (گوپتا، ۲۰۰۸: ۴۸-۴۹). داعش از تنش‌های قومی، مذهبی و فرقه‌ای بهره‌برداری می‌کند تا در سطح منطقه‌ای گروه‌های محلی سنی را ترغیب به وفاداری از خود، تحت یک پرچم و رهبری واحد کند که خود مبنای جدیدی برای هویت‌سازی است. اعطای هویت دینی به‌جای هویت سیاسی و ملی یکی از اقدامات داعش است که او را از سایر گروه‌ها و سازمان‌ها متمایز می‌کند (یوسفی، ۱۳۹۴: ۱۷).

با استفاده از هویت دینی سنی، داعش توانسته گروه‌هایی را به خود جلب کند که

تا پیش از این و بر مبنای هویت ملی یا ناسیونالیستی جزء برون‌گروه گروه‌های منطقه محسوب می‌شدند. به‌عنوان مثال می‌توان به سیاست داعش در مورد گُردهای سوریه اشاره کرد که عمدتاً صوفی و سکولار بوده‌اند. در این مناطق سیاست داعش برای جذب افراد بیش از آن‌که بر عوامل اقتصادی یا تبعیض تأکید کند بر عوامل مذهبی تأکید می‌کند. داعش نسبت به قومیت بی‌تفاوت است و مدعی است، اصل برایش ایمان واقعی است (ویس و حسن، ۲۰۱۵: ۱۰۵).

برون‌گروه عمده و اساسی برای داعش شیعیان است. داعش به‌خوبی از شکاف شیعه و سنی در منطقه برای جذب گروه‌های سنی ناراضی در کشورهای عراق و سوریه استفاده کرده است. دشمنی با شیعیان در ابتدای شکل‌گیری گروه داعش و توسط رهبر این گروه ابومصعب الرزقاوی مورد تأکید قرار گرفت. زرقاوی با استفاده از نارضایتی جامعه‌ی سنی عراق، پس از سقوط صدام و قدرت‌یابی شیعیان و در نتیجه کنار گذاشته شدن آن‌ها، به تعریف برون‌گروه شیعه اقدام کرد. وی معتقد بود که گروه و سازمان او می‌تواند با بهره‌گیری از ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی‌های موجود در عراق خود را به‌عنوان مدافع جامعه سنی جهت هدایت آن به طرف تشکیل یک دولت اسلامی مطرح کند (لیستر، ۲۰۱۴: ۷).

برون‌گروه داعش البته تنها مختص به منطقه نیست. داعش یک برون‌گروه عمده‌ی خود را در قالب صلیبیون و برای اشاره به غربی‌ها بیان می‌کند. در شماره‌های مختلف دابق نقل‌قولی از زرقاوی به کرات آورده شده است: «این جرقه در عراق برافروخته می‌شود و شعله‌های آن همچنان روشن خواهد ماند، تا به اذن خدا، زمانی که ارتش صلیبی را در دابق نابود سازد» (دابق، ش ۲ و ۴) این نقل‌قول در حقیقت، بیانگر تعریف صلیبی‌ها به‌عنوان برون‌گروه داعش و نیز توجیه اقدامات خشونت‌بار داعش علیه آن‌هاست. عوامل مختلفی سبب ایجاد برون‌گروه صلیبیون برای داعش شده است. برخی از این عوامل به عزت‌نفس آسیب‌دیده‌ی مسلمانان در طول تاریخ بازمی‌گردد. برداشت مسلمانان از خود به‌عنوان قربانی، و گروهی که از سوی کشورهای غربی مورد ظلم واقع شده، سبب ایجاد برون‌گروه صلیبیون برای داعش شده است. این روایت قربانی بودن، مختص داعش نیست و گروه‌های سلفی پیش از داعش نیز بر این مبنای جذب پیروان اقدام کرده‌اند. بخش عمده‌ای از این حس به فروپاشی امپراتوری عثمانی و تقسیم استعماری آن براساس قرارداد سایکس - پیکو بازمی‌گردد (غریاق‌زند، ۱۳۹۵: ۵۴). سلفی‌ها علت شکست مسلمانان را دور شدن از ارزش‌های اسلامی می‌دانند. شکست‌های مسلمانان، تحقیر و سرخوردگی توسط استثمارگران از دیگر دلایل است.



اشغال فلسطین توسط اسرائیل و شکست‌های اعراب در جنگ با اسرائیل، یکی دیگر از دلایل خشم و سرخوردگی مسلمانان منطقه است (امینیان و زمانی، ۱۳۹۵: ۱۳).

این مسائل برای مردم خاورمیانه غیرقابل هضم است و در ذهن مسلمان خاورمیانه‌ای غیرقابل پذیرش است. جنبش‌های یک قرن اخیر در خاورمیانه، همگی نشانه‌هایی از این عدم پذیرش را در درون خود داشته‌اند (ن.ک به: کامروا، ۱۳۸۸). بخشی از خشونت اعمال شده از سوی داعش نیز ناشی از استعمار و تأثیرات آن است. استعمار زده نمی‌تواند میان آنچه بوده و آنچه می‌خواهد باشد به درستی تمایز قائل شود؛ در واقع دچار نوعی بحران هویت شده است. استعمار زده از اصلی‌ترین حق یک فرد یعنی هویت محروم است و این محرومیت است که او را به سمتی می‌کشاند که بتواند برای خود و دیگران هویت‌آفرینی کند و در این راه از هیچ عملی فروگذار نمی‌کند (کسرای و داوری مقدم، ۱۳۹۴: ۲۱۰). گروه تروریستی داعش نیز بر این اساس درصدد مجازات مسببان این رنج تاریخی و جلوگیری از تکرار تاریخ است.

از سوی دیگر در مورد علت جذب جوانان محلی به داعش باید گفت که میزان جذب بالای افراد از کشورهای خاورمیانه به این گروه تروریستی را می‌توان نشانه‌ای از بی‌اعتمادی و بحران هویتی در مردم این کشورها دانست. این وطن‌گریزی و تمایل به ابراز هویت جدید، تحت تأثیر روحیه‌ی استعمار زده و طردگرای نظام‌های سیاسی این کشورها ایجاد می‌شود. بسیاری از مردم این مناطق تشنه حکومتی هستند که آن‌ها را از زیر یوغ این سلطه‌گران خارج کند و هویت به یغما رفته‌ی آن‌ها را احیا کند (اسپوزیتو، ۲۰۱۴: ۵). علاوه بر این، یک سازمان تروریستی می‌تواند زمینه‌ی جبران تحقیرها، توهین‌ها و خشونت‌هایی را که در گذشته بر افراد عضو گروه توسط دشمنان وارد شده، با انجام اقدامات خشن علیه دشمنان فراهم کند. بسیاری از این افراد در گذشته خود یا خانواده‌شان مورد ضرب و شتم و تحقیر و توهین قرار گرفته‌اند (ر.ک به: اسپچفر، ۲۰۰۷).

بسیاری از افرادی که در عراق به داعش پیوسته‌اند در جریان حمله امریکا به عراق بسیاری از اعضای خانواده خود را از دست داده یا توسط امریکایی بازداشت، شکنجه و مورد تحقیر و توهین قرار گرفته‌اند. اسپوزیتو معتقد است اگرچه دین نقش مهمی در جذب و بسیج کردن اعضا و یا انگیزه بخشیدن به آن‌ها ایفا می‌کند، اما مهم‌ترین انگیزه افراد برای پیوستن به این گروه‌ها به دلیل نارضایتی‌ها و اعتراضات آن‌هاست: اعتراض به تهاجم نیروهای نظامی خارجی به منطقه و کشتار ده‌ها هزار نفر از شهروندان عراق و سوریه (اسپوزیتو، ۲۰۱۴: ۵).

اقدامات کشورهای غربی در مورد مسلمانان عامل مهم دیگری در شکل‌گیری برون‌گروه صلیبی برای داعش و دیگر گروه‌های اسلامی است. برخی کشورهای اروپایی به دنبال هضم کردن و حل کردن مسلمانان در فرهنگ خوشان هستند، بدین صورت که قوانینی (عدم حجاب اجباری، دست دادن به جنس مخالف و...) در راستای این هدفشان تصویب می‌شود. فرهنگ غربی با تمایزبخشی و دوانگاری، خود را هویتی همگن برمی‌شمارد و مسلمانان را دگری فرودست تعریف می‌کند (نظری، ۱۳۸۷: ۳۲۰). استیو تیلور بر این باور است که تروریست‌هایی که به داعش می‌پیوندند، افرادی هستند که در زمینه‌ی «سازگاری و تلفیق» و «هویت» با مشکل مواجه‌اند، آنان هم‌چنین احساس می‌کنند در حق آن‌ها بی‌عدالتی (سیاسی، اقتصادی و هویتی) شده و از حقوقشان محروم و تنها و منزوی شده‌اند. این حس در میان مسلمانان کشورهای غربی سبب ایجاد حس بی‌هویتی و بی‌معنایی شده است. اقدامات غربی‌ها در تقویت این حس در میان مسلمانان مؤثر بوده. تیلور بر این باور است که قرائت بنیادگرایانه و رادیکال از دین موجب حس شدید تعلق می‌شود، که این افراد همیشه فاقد آن بوده‌اند. ایدئولوژی گروه‌های تروریستی و اهداف مشترکشان همراه با اطمینانشان از این که مالک حقیقت هستند و تنها تفسیر آن‌ها از واقعیت صحیح است، تروریست‌ها را به هم پیوند می‌زند (دانشمندی، ۱۳۹۵: ۱۱۵).

از سوی دیگر، این احساس که جهانی شدن، سکولاریزاسیون، و غربی شدن سبب تضعیف روش‌های سنتی غیرغربی زندگی شده است، این تهدید را بیشتر می‌کند (مقدم، ۲۰۰۵: ۱۶۳). این مسائل، سبب ایجاد هویت مقاومت در بین مسلمانان در غرب می‌شود و برای گریز از هضم شدن و حل شدن در فرهنگ غربی به‌سوی هویت‌های گروه‌های افراطی همانند داعش گرایش پیدا می‌کنند. هویت مقاومت از نظر کاستلز به دست کنشگرانی ایجاد می‌شود که در شرایطی قرار دارند که از طرف منطبق سلطه بی‌ارزش دانسته می‌شود و یا داغ ننگ بر آن‌ها زده شده است. این کنشگران بر این مبنا سنگرهایی برای مقاومت و بقا بر مبنای اصول متفاوت یا متضاد با اصول مورد حمایت نهادهای جامعه ساخته می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۴).

درواقع، سیاست‌های ناکام دولت‌های غربی در همانندسازی مسلمانان و قراردادن فرهنگ غربی (با ویژگی اصالت و خلوص) در برابر فرهنگ اسلامی (با ویژگی پستی و بی‌ریشگی و مخالف غرب و ارزش‌های دمکراتیک)، توسط آن‌ها، سبب ایجاد تقابل هویتی در این جوامع شده است. مسلمانان به دلیل تمایزهای فرهنگی غیرقابل استحاله‌شان از ملت غربی جدا می‌شوند و این جوامع به‌جای شکل دادن به هویت‌های



جمعی مرکب از معانی متفاوت و مسؤولیت در برابر غیریت‌ها، به سرکوب تفاسیر غیرهای غیرغربی و تفاوت‌ها روی آورده‌اند (کریمی‌مله و گرشاسبی: ۱۳۹۴: ۱۵۸-۱۵۷).

جهانی‌شدن و برآمدن غیریت‌سازی‌های هویت

یکی از اثرات منفی جهانی‌شدن عدم تعلق و بی‌هویتی افراد است. عدم امکان شناخت قطعی و رسیدن به پاسخ قاطع یک واکنش روانی به نوسازی اجتماعی و اقتصادی و عواقب ناشی از شهرنشینی است که معمولاً منجر به ازخودبیگانگی، ایجاد حس عدم قطعیت و بحران هویت می‌شود (کروگلانسکی، ۲۰۰۱: ۶). اگر بنیادگرایی را به‌مثابه یک ایدئولوژی در نظر بگیریم که در شرایط موجود به دنبال پاسخی به بحران هویت و معنا و نیز یافتن راهکاری برای برون‌رفت از وضع نامطلوب ناپسند ایجاد شده در عصر مدرن است، داعش به‌خوبی توانسته است از این ایدئولوژی بهره‌گیرد و با اعتراض شدید به وضعیت حاکم بر منطقه، به دنبال گسترش ایدئولوژی خود و تشکیل حکومت مطابق با معیارهای مدنظر خود است که برای رسیدن به این هدف تقریباً از «همه گزینه‌های ممکن» استفاده می‌کند (کامروا، ۱۳۸۸).

داعش در شرایط بی‌ثباتی و بی‌هویتی و تزلزل هویتی عصر جهانی‌شدن، وعده «یقین» و «قطعیت» می‌دهد. مطالعات نشان داده که افراد زمانی که با شک و عدم اطمینان روبه‌رو می‌شوند، اشکال گوناگونی از تعصب را از خود نشان می‌دهند و به‌سوی ایدئولوژی‌ها و گروه‌های افراطی تمایل پیدا می‌کنند (هاگ، ۲۰۱۳). در تحلیل این‌گرام از داعش نیز بیان می‌شود در شرایط تزلزل و بحران هویت، و زمانی که دیگری یا برون‌گروه مسؤول عدم قطعیت و سنت‌شکنی محسوب می‌شود، گروه به‌عنوان یک جایگاه امن وجودی (از طریق یک روایت روشن) و مادی (از طریق جمعی از افراد همفکر و همسو) در مقابل این بی‌ثباتی‌ها و بی‌قراری‌ها ظاهر می‌شوند (این‌گرام، ۲۰۱۶: ۷). داعش راه‌حل خلاصی از این بی‌ثباتی و بحران معنا در جوامع را ایمان به الله و وعده‌ی الهی بیان می‌کند (دابق ش ۳: ۷).

جهانی‌شدن سبب شده، در حالی که والدین جوانان همچنان پایبند به فرهنگ سنتی و مذهبی خود در جوامع غربی هستند، جوانان مسلمان اغلب با یک مدرنیزاسیون سریع مواجه شوند، فرهنگ سکولاری که با سنت‌های مذهبی محلی در تضاد است. در این شرایط این جوانان برای پاسخگویی به پرسش‌های مذهبی خود به سراغ اسلامی می‌روند که با بافت فرهنگی محلی‌شان متفاوت است (ون هالست، ۲۰۰۶: ۳۱).

در شرایط جهانی شدن به دلیل تأکید بر یکدستی و عدم تنوع، بسیاری از افراد دچار پوچی و بی‌معنایی می‌شوند. در مقابل داعش در پی دادن معنا و نظام معنا به اعضایش است. در همین حال این نظام معنایی داعش اعضای این گروه را به سوی افراطی‌گری سوق می‌دهد. کسانی که به عضویت گروه داعش درمی‌آیند، به دنبال تفکیک خود از دیگران نیز هستند. پژوهش‌ها نشان داده در شرایطی که افراد احساس کنند که سنت‌ها و فرهنگشان در جهت یکسان‌سازی در حال فروپاشی است، ممکن است به گروه‌هایی رو بیاورند که به آن‌ها وعده مقابله با دیگری و تقویت سنت‌هایشان را می‌دهد (کین وال، ۲۰۰۴ و سیلک، ۲۰۰۳). گروه سلفی - تکفیری داعش با بازنمایی اسطوره خلافت و برساختن جهانی براساس آیین‌های عقیدتی مسلمانان، به تحریک قوه خیال و توهم این افراد دامن می‌زند و آنان را به این نگرش وامی‌دارد که با پیوستن به آن می‌توانند از جهان بی‌معنا رهایی یابند و به معنایی مقدس دست یابند. این روایت داعش، نه تنها حسی از رسمیت و شناسایی و تعلق و هویت جدید فراهم می‌آورد، بلکه سازمانی برای تغییر زندگی افراد جوان است و آنان را از حالت عقب‌ماندگی و حاشیه‌نشینی و بی‌هدفی و ملالت و حقارت به درآورده و با بازگرداندن شکوه و جلال و افتخار به آنان، آنان را به قهرمانان جامعه بازپیکربندی شده‌ی جدید مؤمنان تبدیل می‌کند. از این رو داعش که در واقع ساخته‌ی بحران هویت است مدعی جامعه‌ای است که با قرار گرفتن در آن می‌توان هویت از دست رفته‌ی خود را بازیافت و معنایی اصیل برای خود بر ساخت. اعضای داعش در پی برساختن هویت شخصی و اجتماعی براساس تصوراتی از گذشته و فرافکندن آن به یک آینده آرمانی هستند تا بدین سان بر روزگار تحمل‌ناپذیر حاضر غلبه کنند (کریمی‌مله و گرشاسبی، ۱۳۹۴: ۱۶۹).

از نظر کسانی همانند هورگان، کرینشا و اینگرام پیوستن به سازمان‌های تروریستی همانند داعش، به افرادی که دارای مشکل هویتی هستند، معنا، ساختار، احساس تعلق و نقش اجتماعی می‌دهد. افراد با پیوستن به این سازمان‌ها و گرفتن هویت جمعی بخشی از بار مسئولیت عمل تروریستی خود را به گروه منتسب می‌کنند و اقدامات خود را مشروعیت بخشند (کرینشا، ۱۹۹۱: ۵۵۹؛ اینگرام، ۲۰۱۶: ۱۱ و آریین بانکو، ۲۰۱۴). جاذبه‌های ایدئولوژیک این گروه و خلأهای هویتی و معنایی در جهان مدرن، زمینه‌ی پیوستن بسیاری از گروه‌های حاشیه‌ای و رانده‌شده از اجتماع و سیاست در غرب و شرق عالم را به این گروه فراهم آورده است (آریین بانکو، ۲۰۱۴ و کسرای و داوری مقدم، ۱۳۹۴: ۲۰۴).



مسلمانان اغلب در ساخت پیکره جوامع غربی نقشی نداشته و به همین دلیل هویت برای آنها به طور صحیح شکل نگرفته و در نقشه سیاسی جهان و پهنه فرهنگی حاکم بر جوامع غربی، مسلمانان خویش را قربانیانی درک می‌کنند که نادیده انگاشته می‌شوند و الگوهای غربی در پی شکل دادن به این پهنه و نقشه بدون توجه به آنان است. به عبارتی ساختارهای قدرتمند هنجار و فرهنگ مسلط غربی، از رواج افتادگی و متروکی و منسوخ‌ی بسیاری از فرهنگ‌های اقلیت را در پی دارد و سبب‌ساز بی‌قراری و آشفتگی هویتی و بی‌معنایی می‌شود (کریمی‌مله و گرشاسبی، ۱۳۹۴: ۱۶۷).

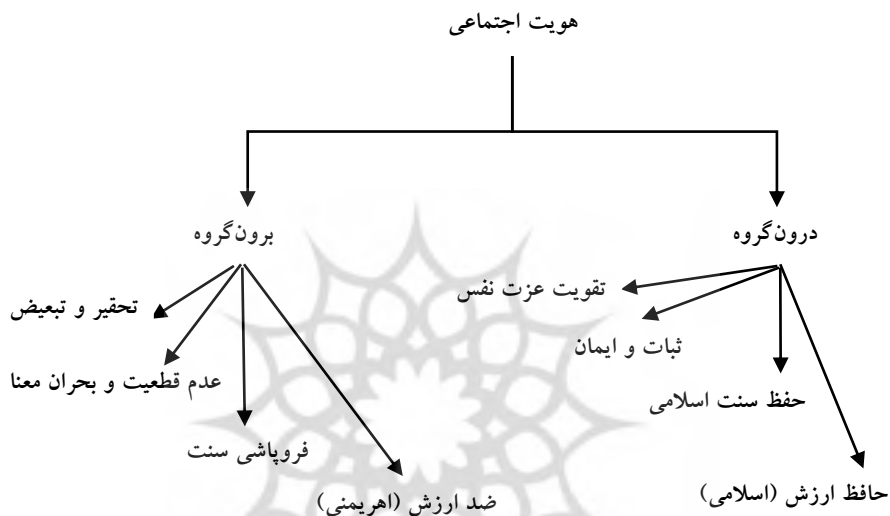
در حقیقت جوانان مسلمانی که جذب این گروه‌ها می‌شوند اغلب به دنبال یافتن یک پایه برای هویت اسلامی خود هستند و وقتی در معرض آموزه‌های دینی سلفی قرار می‌گیرند احساس می‌کنند این پایه را یافته‌اند (محنا احمد، ۲۰۱۴: ۳). در واقع، پیوستن به یک گروه افراطی به افرادی که احساس تنهایی، ناتوانی و بی‌ارزشی می‌کنند، نوعی احساس قدرت و هویت اجتماعی می‌دهد. مطالعات پست نشان داد که ترس از طرد شدن توسط گروه و مطالعات هورگان نشان داد که اغوا شدن توسط گروه عامل انجام اقدامات تروریستی توسط اعضای گروه است (رک به: اسچیفیر، ۲۰۰۷). در حقیقت اعضای داعش با عضویت در این گروه، هم در مقابل اقدامات تبعیض‌آمیز جوامع غربی واکنش نشان می‌دهند، هم برای خود معنا جست‌وجو می‌کنند و هم احساس ارزشمندی می‌کنند.

نتیجه‌گیری

نظریه هویت اجتماعی چشم‌اندازهایی را در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی و فرایندهایی که گروه‌ها به واسطه‌ی آنها باهم دچار تعارض می‌شوند، مطرح می‌کند. هویت اجتماعی، تمرکز خود را به تمایز میان درون‌گروه و برون‌گروه قرار می‌دهد و بر این ایده استوار است که هویت‌های اجتماعی افراد مبتنی بر گروه‌هایی است که به آن تعلق دارند. از چشم‌انداز افراد، هر گروهی که آن‌ها به آن تعلق دارند، درون‌گروه و هر گروهی که آن‌ها به آن تعلق ندارند، برون‌گروه است. افراد عمدتاً باورهای تحقیرآمیزتری، درباره اعضای گروه‌های بیرونی دارند و نسبت به گروهی که به آن تعلق دارند احساس بهتری دارند. افرادی که با شدت بیشتری خود را به گروه خاصی وابسته می‌دانند، احتمال بیشتری دارد که به پیش‌داوری و در نتیجه خشونت علیه برون‌گروه‌ها اقدام کنند. بر این مبنا داعش با تعریف درون‌گروه خود، بر مبنای ایدئولوژی سلفی -

تکفیری و گسترش دایره‌ی تکفیر، برون‌گروه بسیار بزرگ با شاخه‌های متعدد، شامل شیعیان، سنی‌های غیرتکفیری - سلفی، ایزدی‌ها و صلیبی‌ها، را برای اعضایش تعریف کرده و بر همین اساس، اقدامات خشونت‌بار خود علیه این گروه‌ها را توجیه می‌کند.

نمودار شماره ۳: هویت اجتماعی داعش (درون‌گروه و برون‌گروه)



داعش گروهی است که برخلاف دیدگاه رایج، به خوبی خلاءها و شکاف‌های موجود در جوامع اسلامی و غربی را شناخته و با دست گذاشتن بر روی این شکاف‌ها و ادعای پر کردن این خلاءها دست به جذب کسانی زده که در عصر جهانی شدن دچار بحران هویت و معنا شده و یا در جوامع خود با تحقیر و تبعیض مواجه هستند. داعش با وعده‌ی هویت یکسان و حقوق برابر در جامعه‌ای یوتوپایی به تعریف هویتی جدید برای اعضایش پرداخته است.

منابع

- آتران، اسکات (۱۳۹۵)؛ «جوانان، افراط‌گرایی خشن و ترویج صلح»، از مجموعه مقالات *پیرامون تروریسم*، ترجمه: رضا دانشمندی، مشهد: مرندیز، صص ۲۹-۱۷.
- آلمال، فرنگیس (۱۳۹۰)؛ «سیمای هویت اجتماعی جوان ایرانی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۲، ش ۳، صص ۱۴۸-۱۲۱.
- اسمیت، الوت ار و مکی، دیان. ام (۱۳۹۲)؛ *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه اردشیر اسدی و دیگران، تهران: وانیان.
- امینیان، بهادر و زمانی، سیدحسام‌الدین (۱۳۹۵)؛ «چارچوبی نظری برای تحلیل رفتار داعش»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، ش ۲۶، بهار، صص ۲۴-۱.
- ایمان، محمدتقی؛ کیدقان، طاهره (۱۳۸۱)؛ «بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان (مطالعه موردی زنان شهر شیراز)»، *فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س)*، زمستان، ش ۴۴ و ۴۵، صص از ۱۰۶-۷۹.
- بروجند، آوات (۱۳۸۹)؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، *عوامل مؤثر بر هویت یابی دختران دانشجوی دانشگاه پیام‌نور شهرستان سقز*، دانشگاه پیام‌نور، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴)؛ *روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان*، تهران: فرهنگ گفتمان.
- تیلور، استیو (۱۳۹۵)؛ «چگونه سردرگمی به تخریب می‌انجامد»، از مجموعه مقالات *پیرامون تروریسم*، ترجمه رضا دانشمندی، مشهد: نشر مرندیز، صص ۱۱۷-۱۱۴.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)؛ *هویت اجتماعی*، تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- جوادی‌یگانه، محمدرضا و عزیزی، جلیل (۱۳۸۷)؛ «هویت فرهنگی و اجتماعی در بین جوانان شهر شیراز با توجه به عامل رسانه»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، س اول، ش ۳، صص ۲۱۳-۱۸۳.
- دانشمندی، رضا (۱۳۹۵)؛ *پیرامون تروریسم*، مشهد: مرندیز.
- دوران، بهزاد (۱۳۸۱)؛ *هویت اجتماعی و فضای سایبرنتیک*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- شریفی، اسماعیل و کاکاوند، اکرم (۱۳۸۹)؛ «رابطه سرمایه‌ی اجتماعی خانواده با هویت جوانان»، *فصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، ش ۴، بهار و تابستان، صص ۵۰-۲۵.
- صالحی، سیدرضا (۱۳۸۶)؛ «شناخت چالش‌ها و بحران‌های قومی»، *پژوهشنامه تنوع فرهنگی و همبستگی ملی*، گروه پژوهش‌های فرهنگی، ش ۸، بهار، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، صص ۵۰-۱۳.
- غرایاق‌زندگی، داوود (۱۳۹۵)؛ «فهم اجتماعی زمینه‌های شکل‌گیری و تداوم داعش: نیاز به فلسفه اجتماعی جدید»، از مجموعه مقالات *داعش حقیقی و حقیقت داعش*، تهران: پژوهشکده مطالعات کاربردی قلم، صص ۶۸-۴۹.
- کاتم، مارتا. اولر، بث دیتز. مسترز، النا. پرستون، توماس (۱۳۸۶)؛ *مقدمه‌ای بر روان‌شناسی سیاسی*، ترجمه سیدکمال خرازی و جواد علاقبند راد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کامروا، مهران (۱۳۸۸)؛ *خاورمیانه معاصر: تاریخ سیاسی پس از جنگ جهانی اول*، ترجمه محمدباقر قالیباف و سیدموسی پورموسوی، تهران: قومس.
- کریمی‌مله، علی و گرشاسبی، رضا (۱۳۹۴)؛ «بررسی چرایی پیوستن جنگجویان خارجی به داعش»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، س ۵، ش ۱، صص ۱۷۹-۱۵۵.

- کسرای، محمد سالار و داوری مقدم، سعیده (۱۳۹۴)؛ «برآمدن داعش در خاورمیانه: تحلیل جامعه‌شناختانه»، *فصلنامه روابط خارجی*، س ۷، ش ۱، صص ۲۱۶-۱۹۱.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۶)؛ *جهانی‌شدن، فرهنگ و هویت*، تهران: نی.
- مصطفی، حسن (۱۳۹۴)؛ *داعش زیرساخت‌های معرفتی و ساختاری*، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری آفتاب خرد.
- نظری، علی اشرف (۱۳۸۷)؛ «غرب هویت، و اسلام سیاسی: تصورات و پنداشت‌های غرب از اسلام»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۸، ش ۱، بهار، صص ۳۳۴-۳۱۷.
- (۱۳۹۲)؛ *تصورات قالبی و روابط بین گروه‌های هویتی: ارزیابی پیمایشی و مقایسه‌ای*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- الهاشمی، هشام (۱۳۹۵)؛ «رفتارهای دولت خودخوانده تکفیری‌ها در موصل»، *راه‌نما*، س ۵، ش ۱۲ اردیبهشت، صص ۸۷-۸۶.
- هاوتن، دیوید پاتریک (۱۳۹۳)؛ *روان‌شناسی سیاسی: موقعیت‌ها، افراد و مصادیق*، ترجمه علی اشرف نظری و شهرزاد مفتوح، تهران: قومس.
- ویلیامز، ری (۱۳۹۵)؛ «روان‌شناسی تروریسم»، از مجموعه مقالات *پیرامون تروریسم*، ترجمه رضا دانشمندی، مشهد: مرنديز، صص ۱۱۳-۱۰۰.
- یوسفی، محسن (۱۳۹۴)؛ «نقش و تأثیر داعش در ترسیم نقشه‌ی جدید خاورمیانه»، مجموعه مقالات *داعش*، مؤسسه مطالعات ملی، تهران: تمدن ایرانی، صص ۲۶-۹.
- Abrams. D., Hogg, M.A (2001); *Comments on the motivational status of self-esteem in social identity and intergroup discrimination*, New York: psychology press
- Ahmad, aitemad muhanna (2014); *Narrative of Tunisian Salafist. An expalatory view of afield visit to study Salafist youth in Tunisia*, Matar, LSE, middle Eust center.
- banco, Erin (2014); *Why Do People Join ISIS? The Psychology Of A Terrorist*, ttp://www.ibtimes.com.
- Crenshaw, Martha (2000); The psychology of political terrorism, *Political psychology*, Wesleyan University. <https://www.jstor.org/stable/3791798>.
- Esposito, John L. (2014); *ISIS, Radicalization, and the Politics of Violence and Alienation*, Reset Doc.
- Frantz.C.M et al (2004); *Treath in the computer: The Race Implicit association test as a stereotype threat experience*, Pers Soc Psychol Bull. 2004 Dec;30(12):1611-24.
- Gerges, Fawaz A. (2014); *ISIS and the third Wave of Jihadism*, Current history. December.
- Greenberg, J., Landau, M., Kosloff, S., & Solomon, S. (2009); How our dreams of death transcendence breed prejudice, stereotyping, and conflict: terror eotyping, and conflict: terror management theory. In T. Nelson (ed) *Handbook of Prejudice, Stereotyping, and Discrimination*, (p. 309 (p. 309-332) Psychology Press. 332) Psychology Press.
- Güner, Reyhan (2014); *No shades of gray: Psychological reasons for joining ISIS*, <http://foreignpolicynews.org>
- Gupta, Dipak K. (2008); *Understanding Terrorism and Political Violence*, London: Routledge.
- Haslam, alexander et. Al. (1996); Stereotyping and social Influence, *British Jurnal of social psychology*, 32: 369-399.
- Hewstone, Miles; Mark Rubin; Hazal Willis (2002); annual review of psychology; *proquest psychology Journal*, 53: 575-604.
- Hogg, M., Kruglanski, A. and Van den Bos, K. (2013); Uncertainty and the roots of extremism, *Journal of Social Sciences*, 69(3): 407-18.



- http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/isis_documents_leak_reveals_profile_of_average_militant_as_young_well_educated_but_with_only_basic_a6995111.html.
- Hulst, S. J. van (2006); *Violent jihad in the Netherlands; current trend in the Islamist terrorist threat*, Ministry of the interior and kingdom relation.
- Ingram, Haroro J. (2016); An analysis of Islamic State's Dabiq magazine, *Australian Journal of Political Science*, 13 June 2016.
- Krisch, Joshua A. (2015); *The Psychology Of A Terrorist: How ISIS Wins Hearts And Minds Following the Paris Attacks*, anthropologist Scott Atran explains what goes on in the mind of an ISIS terrorist. Nov 16, 2015 at 3:08 PM ET. <http://www.Vocativ.Com/251306/psychology-terrorist/>.
- Kruglanski, Arie W. (2001); *Inside the Terrorist Mind*, University of Maryland, College Park. Paper presented to the National Academy of Science, at its annual meeting, April, Washington, D.C. <https://terpconnect.umd.edu>.
- Lister, Charles (2014); *Profiling the Islamic State*, Monday, December 1, 2014. <https://www.brookings.edu/research/profiling-the-islamic-state/>.
- Moghaddam, Fathali M. The Staircase to Terrorism: A Psychological Exploration, *American Psychologist*, Vol 60 (2), Feb-Mar 2005, 161-169.
- Schaefer, Annette (2007); *Inside the Terrorist Mind* <http://www.scientificamerican.com/article/inside-the-terrorist-mind/>.
- Silke, A. (2003); *The psychology of suicidal terrorism*, In A. Silke, ed. *Terrorists, victims and society*. West Sussex.
- Smith, A. (2004); From words to action: *Exploring the relationship between a group's value references and its likelihood of engaging in terrorism*, *Studies in Conflict and Terrorism* 27(5): 409-37.
- Stephan, Walter G. et al (2009); *Intergroup threat theory*, To be published T. Nelson (Ed.), *Handbook of Prejudice*, Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates. Address correspondence to: Walter G. Stephan, 2097 Aliali Pl. Honolulu, HI 96821.
- Tajfel, H. (1981); *Human Groups and Social Categories*, Cambridge University Press, Cambridge.
- Weiss, Michael and Hassan, Hassan (2015); *Inside the Army of Terror*, Reynard art. New York.
- Wiley, John & Kinnvall, C. (2004); *Globalization and religious nationalism: Self, identity, and the search for ontological security*, *Political Psychology* 25(5): 741-67.

منابع اینترنتی

- اولیویه رواق: جهادی‌ها به حیات علاقه‌ای ندارند، به آرمان شهر نیز؛ چرا اسلام رادیکال به جنبشی جهانی برای جوانان معترض بدل شده است؟ چهارشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۹۵ ۰۸:۳۶ <http://tarjomaan.com/vdcc.sq4a2bqssla82.html>
- تایمز: اتباع سعودی در صدر پیکارجویان خارجی داعش قرار دارند <http://www8.irna.ir/fa/News/82043983> تاریخ خبر: ۱۳۹۵/۰۲/۰۱.
- دابق شماره ۱ <file:///D:/dabiq%20archive/dabiq1.pdf> ۱۳۹۵.
- دابق شماره ۲ <file:///D:/dabiq%20archive/dabiq2.pdf> ۱۳۹۵.
- دابق شماره ۳ <file:///D:/dabiq%20archive/dabiq3.pdf> ۱۳۹۵.
- هویت اجتماعی چیست؟ (۱۳۸۹): سایت علمی دانشجویان <http://www.daneshju.ir> اردیبهشت ۱۳۸۹.